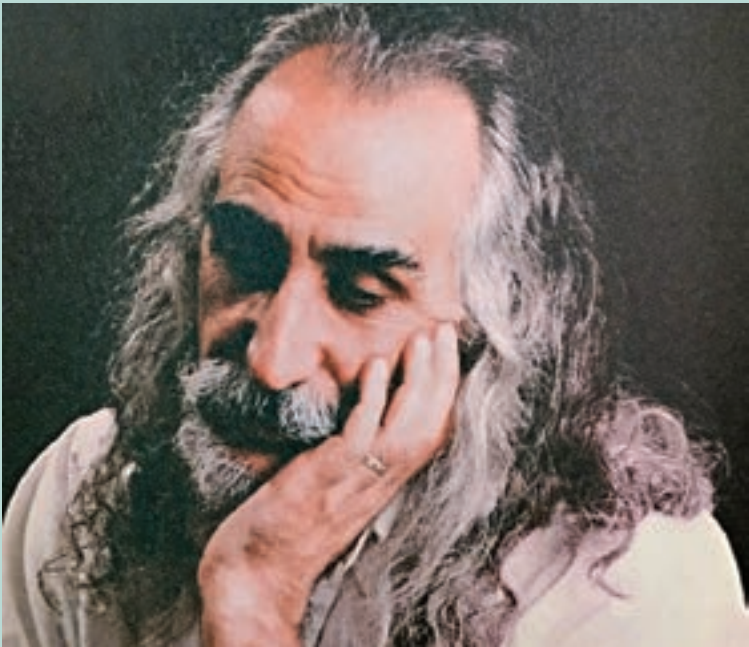




هم نشین لسان الغیب

به مناسبت روز بزرگداشت حافظ نگاهی داریم به کارنامه عبدالکریم سینی چی، شاعر مشهدی که ۱۸ سال پژوهش کرد تا «حافظ سالک» را منتشر کند



دهنشن را به زمانه حافظ گزید و واژه ها را از گذرگاه اسبسخه ها، زبان سده ها، وزن و موسیقی حافظ عبور داد. از نگاه او، خواجه شیراز: زندگی فردوسی و دیوان خواجه شیراز به گوش شکر است. اعضای آشنا بود. از همنا کدوکی ذوق تکر داشت. جهان شعر را و عقیقه داد و عبق داشت. با قیامت گوش می داد و وای های تازه

در محفل خوبان

خواهر عبدالکریم سینی چی برای اهل خانه.
حافظ می خواند. در این خانه اشعار سعدی.
فردوسی و دیوان خواجه شیراز به گوش
تک تک اعضا آشنا بود. از همان کودکی ذوق
شعر داشت. جهان شعر را عمیقاً دوست
داشت. با دقت گوش می داد و واژه های تازه

و خوش آهنگ را گوشه ذهنش نگه می داشت
می گفت با حافظ بزرگ شده است. می گفت
دل بستگی اش به او، قصه امروز و دیروز نیست
شعر برای او به خواندن محدود نمائد. تخصص
(«سالم» میشدی» را برگزید و رباعی سرود.
شاعری جسور بود؛ جسور و آزاده. شاعران
خراسان او را با این دو ویژگی به یاد می آوردند
در سال ۱۳۷۱ و هنگامی که مادرش از دنیا رفت
به سید جلال الدین اشستانی، محمدرضا حنفی و
محمدرضا شفیعی کدکنی در شمار امضاکنندگان
آگهی تسلیت او بودند. جابر دیرین میانی
خراسان او را می شناخت و او را درین بین
اخوان ثالث بود. وقتی گرفتاری های زندگی مانع
حضورش در جلسات ادبی می شد، اخوان ثالث
به دیدنش می آمد. نقطه عطف فعالیت او در
مراکز پژوهشی بود. مدتی در پژوهشگاه عاشور
کار کرد. جایی که گردآوری و خرید نسخه های
خطی بخشی از فعالیت های آن بود. زمانی در
پژوهشگاه ادبیات، در جایگاه معاون و در کنار
موسوی گرماردی، فعالیت کرد. مواجهه مستمر
با نسخه های کهن، علاقه قدیمی اش را به یک
پژوهنده جدی تبدیل کرد. سال ۱۳۸۲ اخوان ثالث
دریوه حافظ آذیل کرد. از آن پس، مفهوم دیگری
فقط همراهی با شعر نبود؛ به جست و جویی
فرساینده میان اختلاف نسخه ها تبدیل شد.
پروژه ای که از خاطره حافظ خوانی خواهی
بیش تر آغاز شده بود و هر چند سال بعد به کتابی
بیش از هفتصد صفحه رسید.

بود «حافظ سالک» تنها جلد نخست یک هشتمی باشد. جلد دوم به واژه نامه زبان و لغت اختصاص داشت؛ واژه هایی که در روزگار حافظ معنایی داشته اند و در زبان امروز معنای دیگری یافته اند. جلد سوم رای مقایسه تفصیلی نسخه های خطی سده نهم طراحی شده بود و جلد چهارم سده نهم تاریخ عصر حافظ، مناسبات سیاسی فرهنگی زمانه او و ارتباطش با شاعران هم عصر او بررسی می کرد. اما انتشار سه جلد دیگر با تصحیح نشدهی نخستین کتاب برای این شاعر مشهدی همچنان بیسر برداشت.

الحاقی است. او همچنین در مصاحبه ای گفته است در ترتیب غزل ها به قراردادهای رایج وفادار نماند. غزل «الا یا ایها الساقی» را صرفا به دلیل شهرت تاریخی اش در آغاز

موردنظر خودش تکیه کرد. تصحیح هوشنگ ابتهاج (سایه) راز دیگر روایت‌ها حافظانه‌تر می‌دانستم؛ چون باور داشت شاعری که خود تجربه جدی سرودن دارد. موسیقی و منطق درودنی کلام حافظ را بهتر احساس می‌کند. در همین حال، در دوازده مورد، انتخاب احمد شاملو را درست‌تر تشخیص داد و از کوشش مصححانی چون محمد قزوینی، پرویز ناتل خانلری، سلیم نیساری و بهاء‌الدین خوشنای نیز

مریم سیغه هیچ وقت روبه روی دوربین نبود. در تمام این سال ها کمتر حاضر به گفت و گو می شد. او را با تخلص «سالک مشهدی»، می شناسند. حال روبه روی دوربین نشسته است تا از کتابی بگوید که برای هر ورقش هفته ها زمان صرف شده. این کتاب، حاصل هجده سال، روز و شب اوست. تقریباً به اندازه فاصله تولد یک کودک تا رسیدنش به جوانی.

روزی یکی از صفحه‌ها، بالا حرف «چ» ضمه و کوچکی نشسته است: «چُن». همین علامت به ظاهر ناچیز، جان کلام کار طولانی اوست. می‌گوید در زبان روزگار حافظ «چون» و «چُن» الزاما یک کارکرد نداشته‌اند؛ یکی ممکن است معنای «چگونه» بدهد و دیگری در جایگاه‌هاایی به معنای «زیرا»، «هنگامی که» یا «مانند» نشینند.

و او هجده سال آژگار، به جهان کلمات در سده هجدهم سرک کشید تا مطمئن شود آنچه از حضرت حافظ فهمیده است، در صورت های گوناگون هم همان معنی را داشته است. می خواهد که این معنی درست خواننده شود.

مصحفان زیادی از اعراب گذاری دیوان حافظ نظره رفته اند و مسئولیت کسره ها، فتنه ها و ضمه ها را برعهده نگرفته اند اما او جساتر را با دقت به سراغ نشانه گذاری کلمات برداشت. او بارها نسخه های خطی، چاپ های دستی و تصحیح های مشهور را مرور کرد.

قصہ ناتمام

حاصل هجده سال پژوهش عبدالکریم سینی چی، به تصحیحی از دیوان حافظ به نام «حافظ سالک» منجر شد. کتاب را انتشارات مرندیز در مشهد منتشر کرد؛ آثری ۷۱۹ صفحه‌ای که خبر انتشار و معرفی آن در سال ۱۴۰۰ منتشر شد و فراگراژش هزار نسخه بود. کتاب با هزینه شخصی سینی چی به چاپ رسید. به گفته سینی چی حدود ۸۶۶ غزل به حافظ نسبت داده شده است اما خودش ۵۶۶ غزل را حافظانه‌تر تشخیص داده و در مجموعه برگزیده است. یکی از اصلی‌ترین اختلافات در تصحیح دیوان حافظ در میان حافظ پژوهان همین تشخیص شعرهای اصیل از ابیات و غزل‌ها

خون و

ملاحظات میدان داری

که نفوذ پیدا می‌کند و ما از همه سوا دشمنی مواجهیم که از هوش مصنوعی و مکان یابی و فرانکس سنجی صدا ریزترین حرکات ما را زیر نظر دارد. اعلام این خبر کار را درست‌تر است؟ فکر نمی‌کنید با اعلام این خبر، همه ماشین‌ها و گوشی‌های آن اطراف و رفت‌وآمدشان به هوش مصنوعی بسیار پیوسته‌ای که فقط در اختیار دشمن است، داده شود و به یک الگوریتم فترتی و جرقه‌ای آدم‌ها دست پیدا کنند و کار را برای محافظان عزیز و کار برکن ایشان و همچنین قیافه نیروهای امنیتی دشوارتر کند؟ یادمان باشد در حساس‌ترین وضع ممکن هستیم، ما در همه عرصه‌هایی که فکرش را هم نمی‌کنیم، در حال جنگیم؛ از بهانه‌های راه‌های شهری کنیم که با آن‌ها مراد و مالی و اقتصادی و داشتیم و الان سنگ اندازی می‌کنند بگیرد تا

شاعر و نویسنده
حامد عسکری

و مشتاقان آن حضرت از هم نفسی در یک میدان باولی اشواس احساس غرور می کنند. اما باز هم سؤال این است: به چه چیزی است... من دور ادرات و هیجان دوست داشتنی این سید جوان عزیز و مردم میدان می گردم و درک می کنم که اعلام این خبر در میدان، اعلام یک لحظه تاریخی، چیزی نیست که به راحتی بتوان از آن گذشت، اما باید به چیزهای دیگر هم فکر کرد. رهبر عزیزمان قبلا هم در پیام هایشان فرمودند که در میدان کنار مردم هستند تجربه بشیرین میدان را داشته اند و چه میادین دیگر و شهرهای دیگر هم حضور کرده اند و کنار مردم بوده اند. ولی باز عمل ادرات به اهالی میدان و خیابان در کمالات اعلام می کنم؛ برادران و خواهران کمی صبر و کمی درایت. در موقعیتی این

سید جوانی است. عبا هم بر تن ندارد و این یعنی از اعضای ریزگرزننده اجتنام است. و نفس نفس می زند از اعلام خبر و جمله را به تکلم می کند. جمعیت فرباد می کشند. «الله اکبر» می گویند و شغف از چشم هایشان بلبلیز می شود. خبر کوتاه است: خبر آمده رهبر جوان ایران عزیزمان، حضرت سید محمدی خویانی خامنه ای به صورت ناشناس حدود نهمین ساعت در این مکان مقدس سینه می بداند شهدا حضور داشته اند و نظاره گر تکبیرگفتش و پرچم گردانی مردم بوده اند. خبر، خبر، خبر آوری است. وجد را به جان می ریزد و شغف را همیان رگ های آدمی می کند؛ اما به چه قیمتی؟ قابل درک است که این خبر خوں تازه ای به رگ های مردم شجاع و پویای کار و ما می ریزد. قابل درک است که میدان های دیگر ما هم از شبنین این خبر، حضور و تجمعشان را بیشتر می کنند. قابل فهم است که دوست داران

رضا جنگی
شہر آرا

مدیر امور دندانپزشکی معاونت
درمان دانشگاه علوم پزشکی
مشهد از انجام ۱۹۰ مورد بازرسی
میدانی از مراکز ارائه دهنده خدمات
دندانپزشکی در شش ماهه نخست
امسال خبر داد و گفت:

در جریان این بازرسی‌ها، ۱۹ واحد متخلف و غیرمجاز شناسایی و به دلیل فعالیت غیرقانونی و مداخله در امور درمان، با هماهنگی مراجع قانونی پلمب شدند.

کارتون
شهر